



ابن عربی



درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل

محمد علی موحد • صمد موحد

تهران، ۱۳۹۸

۲۸	۲۹
۳۰	۳۱
۳۲	۳۳
۳۴	۳۵
۳۶	۳۷
۳۸	۳۹
۴۰	۴۱
۴۲	۴۳
۴۴	۴۵
۴۶	۴۷
۴۸	۴۹
۵۰	۵۱
۵۲	۵۳
۵۴	۵۵
۵۶	۵۷
۵۸	۵۹
۲۷	۲۸
۲۹	۳۰
۳۳	۳۴
۳۵	۳۶
۳۷	۳۸
۳۸	۳۹
۳۹	۴۰
۴۱	۴۲
۴۳	۴۴
۴۵	۴۶
۴۶	۴۷
۴۸	۴۹
۵۰	۵۱
۵۲	۵۳
۵۳	۵۴
۵۴	۵۵
۵۵	۵۶
۵۷	۵۸
۵۹	۶۰

• یادداشتی برچاپ دوم.....

❖ دیباجه: ابن عربی و ترازنامه میراث فکری او.....

بارورترین ایام زندگی ابن عربی.....

صدرالدین قونوی.....

کهن ترین شرح ها بر فصوص.....

نخستین شرح فارسی.....

واکنش ها در برابر ابن عربی.....

رواج روزافزون بازار فصوص.....

اسرار حروف و اعداد.....

بیش ترین اوج ابن عربیگری در قرن نهم.....

ظهور حروفیه و تقطویه.....

صائن الدین ترکه و علم حروف.....

تغذیه داعیه داران از ابن عربی.....

شاخه های مثبت و منفی تعالیم ابن عربی.....

کوره تافته تأویل.....

بیزاری بزرگان تصوف از مغلق نویسی.....

زیبانی تنیده از رمز و ابهام.....

مشکلات فهم فصوص.....

جندی و زبان تکلف آمیز او.....

- ۶۱..... جندی و ادعاهای گزاف او
- ۶۴..... نمونه‌ای از شرح فصوص جندی
- ۶۶..... وحدت وجود به روایت عطار
- ۶۹..... وحدت وجود به روایت ابن عربی
- ۷۱..... روایت نسفی
- ۷۲..... غنای اندیشه ابن عربی
- ۷۳..... تلاقی دو نگرش در عراقی و شبستری
- ۷۴..... ولایت و سابقه آن
- ۷۵..... ولایت - خلافت - حکومت
- ۷۷..... تقریر ابن عربی از مسئله ولایت
- ۷۸..... خشت زرین ولایت و خشت سیمین نبوت
- ۸۵..... داوری‌های آشتیانی درباره ابن عربی
- ۸۶..... مکاشفات ابن عربی
- ۸۷..... سرخوردگی فیض از ابن عربی
- ۸۸..... درکشاکش شور و شعور
- ۹۰..... نوسان در میان خشم و شیدایی
- ۹۱..... کشف و شهود
- ۹۲..... توجیه عقلانی یافته‌ها
- ۹۴..... توجیه شرعی یافته‌ها
- ۹۵..... شیوه نویسندگی ابن عربی
- ۹۹..... ابن عربی و تأویل قرآن
- ۱۰۰..... مسئله تأویل در قرآن و نهج البلاغه
- ۱۰۱..... ابن عربی و نکوهش تأویل
- ۱۰۳..... یک نمونه از تأویلات ابن عربی
- ۱۰۴..... نمونه دوم
- ۱۰۴..... نمونه سوم
- ۱۰۵..... نمونه چهارم
- ۱۰۵..... نمونه پنجم
- ۱۰۶..... باریک‌اندیشی‌های قونوی و کاشانی در اسرار بسم الله
- ۱۰۷..... تنوع اصطلاحات
- ۱۰۸..... پیامبر یا وارث؟

- ۱۰۹..... پایان سخن
- ۱۱۲..... پی‌نوشت‌های دیباچه
- ۱۲۳..... دفتر اول: درآمد، برگردان متن، توضیحات و متن عربی
- ۱۲۵..... درآمدی بر خطبه کتاب
- ۱۳۳..... خطبه کتاب (برگردان متن)
- ۱۳۷..... توضیحات خطبه کتاب
- ۱۳۷..... ۱. نازل‌کننده حکمت‌ها بردل‌های کلمه‌ها
- ۱۳۸..... ۲. من نمی‌گویم جز آنچه را که به من گفته می‌شود
- ۱۴۱..... درآمدی بر فص اول
- ۱۴۱..... عالم و آدم
- ۱۴۲..... وحدت وجود و رابطه خلق و خالق
- ۱۴۴..... دو آئینه متقارن
- ۱۴۵..... ذات حق و صفات و اسماء او
- ۱۴۶..... اعیان ثابت
- ۱۴۸..... رابطه اعیان ثابت با عالم شهود
- ۱۴۹..... چگونه خدا اول است و آخر است
- ۱۵۰..... وحدت و ثنویت
- ۱۵۱..... مقام و منزلت آدمی
- ۱۵۲..... انسان در نوسان میان خداوندی و بندگی
- ۱۵۲..... ازلی و ابدی بودن انسان
- ۱۵۵..... فص حکمت الهی در کلمه آدمی (برگردان متن)
- ۱۶۹..... توضیحات فص اول
- ۱۶۹..... ۱. چون حق سبحانه از حیث اسماء حسناى خود
- ۱۷۰..... ۲. خود را به خود دیدن غیر از خود را در چیز دیگری دیدن است

تفاوت امر و اراده حق ۴۲۲

فَصِّ حِکْمَتِ رُوحِی در کلمه یعقوبی (برگردان متن) ۴۲۵

توضیحات فَصِّ هشتم ۴۳۵

۱. دین دو است ۴۳۵

۲. اسماء الهی را هم افعال خداوند ثابت می‌کند ۴۳۶

۳. و فرمود: «فَمَا رَعَوْهَا» ۴۳۶

۴. اما سرّ و باطن آن ۴۳۸

۵. سرّی دیگر و بالاتر ۴۳۹

۶. از اسرار قدر است که حکم آن بر خلائق جاری است ۴۴۰

۷. پس بنگر که این چه شگفتی است ۴۴۱

۸. پیامبر و وارث خادم امر الهی به اراده [حق] است ۴۴۲

درآمدی بر فَصِّ نهم ۴۴۳

مناسبت‌های فص ۴۴۵

زندگی به مثابه خواب ۴۴۵

خیال مطلق و خیال مقید ۴۴۶

حضرات پنج‌گانه وجود ۴۴۶

نور وسیله ادراک ۴۴۸

عالم موهوم ۴۴۸

علم تأویل ۴۴۹

فَصِّ حِکْمَتِ نوری در کلمه یوسفی (برگردان متن) ۴۵۱

توضیحات فَصِّ نهم ۴۶۳

۱. که خود عین کید بود ۴۶۳

۲. و من در این باره به لسان یوسف محمدی ۴۶۴

۳. اما ادراک به اسم نور واقع شد ۴۶۴

۴. همچنین است اعیان ممکنات که نورانی نیستند ۴۶۵

۵. با این همه عین سایه موجود است ۴۶۵

۶. وجود حقیقی «الله» است به اعتبار عین و ذات ۴۶۶

۷. هر چه در [عالم] وجود است احدیت بر آن دلالت دارد ۴۶۷

۸. حق همان بی‌نیازی ذات از نسبت اسماست ۴۶۷

۹. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (خدا صمد است) ۴۶۸

۱۰. «لَمْ يَلِدْ» (نزداد) از حیث هویت او و ما ۴۶۸

۱۱. و کثرت با نعوتی که معلوم ماست به ظهور پیوست ۴۶۹

۱۲. نَسَبِ حق همین سوره اخلاص است ۴۶۹

۱۳. حق سایه‌ها را به وجود آورد ۴۷۰

۱۴. و همین طور است انصاف عالم به بی‌نیازی ۴۷۰

۱۵. نیاز عالم به اسباب بلاشک نیازی ذاتی است ۴۷۰

۱۶. اسماء الهی هر اسمی است که عالم نیازمند آن است ۴۷۱

درآمدی بر فَصِّ دهم ۴۷۳

حکمت احدیت ۴۷۳

احدیت ذاتی ۴۷۴

احدیت الهی ۴۷۴

احدیت ربوبی ۴۷۴

رب الارباب یا الله ۴۷۵

همه موجودات در صراط مستقیم‌اند ۴۷۵

جمع بندی در فَصِّ هود ۴۷۷

حرف آخر در وحدت وجود ۴۷۹

فتوای جسورانه ابن عربی ۴۸۰

فَصِّ حِکْمَتِ احدی در کلمه هودی (برگردان متن) ۴۸۳

توضیحات فَصِّ دهم ۴۹۹

۱. ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ أَخَذَ بِنَاصِيئِهَا ۴۹۹

۲. اگر خلق بر تو گردن نهاندند ۵۰۰

۳. و هیچ آفریده‌ای نمی‌بینی که ۵۰۰

۴. بدان که علوم الهی ذوقی ۵۰۱

۵. و این حکمت از علم خاص پاهاست ۵۰۱

۶. «وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ» ۵۰۲
۷. و خداوند این مقام ذوقی لذیذ را از جهت منت بر آنان ۵۰۳
۸. نمی بینی که عاد، قوم هود، چگونه گفتند ۵۰۴
۹. پس عذاب به سر وقت آنان ۵۰۶
۱۰. و مراد از خانه ها اجساد آنان است ۵۰۶
۱۱. و نص الهی بر همه آنچه گفتیم وارد شده است ۵۰۷
۱۲. و از غیرت بود که زشتی ها (فواحش) را حرام گردانید ۵۰۸
۱۳. و بدان که چون حق مرا آگاه گردانید ۵۰۹
۱۴. و چون دورتر را که محدود به حد است گفت ۵۱۰
۱۵. و ما در هیچ آیه ای ۵۱۰
۱۶. و از من تغذیه می کند ... و ما با او مقابله می کنیم ... ۵۱۱
۱۷. و به جهت این اندوه بود که ۵۱۲
۱۸. کجایند متقیان ۵۱۳
۱۹. و اگر تحدید حق تعالی درست نبود ۵۱۴
۲۰. و من سبب و موجب آن را با تو گفته ام ۵۱۴
۲۱. همه در عقیده خود بر صواب اند ۵۱۵
۲۲. اهل الله که مورد عنایت حق اند در دار دنیا گاهی بیمار می شوند ۵۱۵

فُصُوصُ الْحِكْمِ (متن عربی) ۵۱۷

- خطبة الكتاب ۵۱۹
- فَصُّ حِكْمَةِ الْهَيْتَةِ فِي كَلِمَةِ آدَمِيَّةٍ ۵۲۱
- فَصُّ حِكْمَةِ نَفْسِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ سَيْبِيَّةٍ ۵۲۳
- فَصُّ حِكْمَةِ سُبُوحِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ نُوحِيَّةٍ ۵۲۵
- فَصُّ حِكْمَةِ قُدُوسِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِدْرِيْسِيَّةٍ ۵۵۵
- فَصُّ حِكْمَةِ مُهَمِّمِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِبْرَاهِيْمِيَّةٍ ۵۶۳
- فَصُّ حِكْمَةِ حَقِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِسْحَاقِيَّةٍ ۵۶۹
- فَصُّ حِكْمَةِ عَلِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِسْمَاعِيْلِيَّةٍ ۵۷۷
- فَصُّ حِكْمَةِ رُوحِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ يَعْقُوبِيَّةٍ ۵۸۳
- فَصُّ حِكْمَةِ نُورِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ يُوْسُفِيَّةٍ ۵۸۹
- فَصُّ حِكْمَةِ اَحَدِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ هُوْدِيَّةٍ ۵۹۹

دفتر دوم: تحلیل فصوص ۶۱۱

- تحلیل فصّ اول: کلمه آدمی ۶۱۳
- تحلیل فصّ دوم: کلمه شیثی ۶۲۵
- تحلیل فصّ سوم: کلمه نوحی ۶۳۷
- تحلیل فصّ چهارم: کلمه ادریسی ۶۴۵
- تحلیل فصّ پنجم: کلمه ابراهیمی ۶۵۳
- تحلیل فصّ ششم: کلمه اسحاقی ۶۵۹
- تحلیل فصّ هفتم: کلمه اسماعیلی ۶۶۷
- تحلیل فصّ هشتم: کلمه یعقوبی ۶۷۷
- تحلیل فصّ نهم: کلمه یوسفی ۶۸۷
- تحلیل فصّ دهم: کلمه هودی ۷۰۵
- پی نوشت های تحلیل فصوص ۷۱۹
- گزارش شب ابن عربی (خانه هنرمندان، ۸ خرداد ۱۳۸۶) ۷۲۳
- ابن عربی و فصوص الحکم، نصرالله پورجوادی ۷۲۵
- ویژگی های ترجمه جدید فصوص الحکم ...، مصطفی ملکیان ۷۳۷
- ابن عربی و فصوص الحکم او، محمد علی موحد ۷۵۱
- نمایه ۷۵۵

نمی‌آید تا آن احساس درونی را از قوه به فعل برساند. ارتباط ما با بزرگان علم و ادب، و معرفتی که به حال آنان داریم نیز کمابیش از همین الگو پیروی می‌کند. در هر حال سخن شمس مرا گرفته بود و دلم هوای ابن عربی کرده بود.

در میان آثار ابن عربی دو کتاب فتوحات و فصوص جایگاه خاص دارند. فتوحات را وی در سال ۵۹۸ در مکه شروع کرد و تحریر اول آن را در سال ۶۲۹ و تحریر نهایی را در سال ۶۳۶ به پایان برد. این کتاب عظیم دارای ۵۶۰ باب است. من در آن ایام بیش تر در سفر بودم و نمی‌توانستم چنان کتاب بزرگی را با خود حمل کنم. از آن گذشته تفصیل و تکراری را که در مطالب آن کتاب هست مناسب حال و حوصله خود نمی‌یافتم. اما تصمیم داشتم اگر آب دریا را نمی‌توانم بکشم دست کم به قدر تشنگی از آن بچشم. پس سراغ فصوص رفتم که آن را وصیت‌نامه فکری و عقیدتی ابن عربی خوانده‌اند، و در جریان سفر و حضر که همت بر خواندن و اندیشیدن در مضامین آن گماشته بودم، به مرور، هر ۲۷ فصل آن را به فارسی برگرداندم. این ترجمه که البته سردستی و صرفاً به قصد یادداشت کردن آنچه در نگاهی مشتاقانه از عبارت‌های پیچیده فصوص می‌فهمیدم فراهم آمده بود سالیان دراز در انبوه اوراق و یادداشت‌های پراکنده من تقریباً گم شده بود تا روزی، درست به یاد ندارم به چه مناسبت، در حضور دوستم محمد زهرایی صحبتی از ابن عربی در میان آمد و من از ترک جوش نیم خام خود در ترجمه فصوص یاد کردم و او به اصرار از من خواست که آن اوراق را هر چه هست پیدا کنم و به او بدهم تا در کامپیوتر ضبط شود. خواسته زهرایی انجام شد و تازه مستمسکی افتاد به دست او که در هر فرصتی یاد آن را تازه گرداند و چاپ و نشر آن را در برنامه کار خود قرار دهد و من بناخواه کشانده شدم در یک وادی که آمادگی روحی کافی برای طی آن را نداشتم، چه آن شور و

شوقی که در گذشته مرا در آن سودا انداخته بود فرونشسته و تماشاگر خیال چشم در افاق‌های دیگری دوخته بود. «أُرِيدُ وَ تُرِيدُ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ» در هر حال چاره‌ای نبود و چون بر سر آن اوراق رفتم در گام اول واجب دانستم تا مطمئن شوم که در آن ترجمه چیزی از قلم نیفتاده و عبارات فارسی به مضمون و مفاد متن، و هم به لحن و سیاق کلام مصنف، وفادار مانده است و در انجام این مهم از دولت یاری و پایمردی برادرم صمد موحد برخوردار بودم و چون به یمن حوصله و پیگیری او قرائت و تطبیق یک عشره کامله یعنی ده فصل اول از متن و ترجمه به پایان رسید مصلحت چنان دیدیم که کار را در همین جا متوقف سازیم و به جای پرداختن به بقیه کتاب هم خود را به توضیح دشواری‌ها و گشودن گره‌ها و تسطیح ناهمواری‌های کلام شیخ مصروف داریم؛ چون سخن شیخ پیچ در پیچ و گره در گره است و به آسانی رام کسی نمی‌شود. پس از برادرم صمد خواستم که برای هر فصلی تحلیلی جداگانه بنویسد. خود نیز کوشیدم تا در اول هر فصل درآمدی و در آخر آن توضیحاتی بیفزایم. مقصود از تحلیل‌ها آن بود که ماحصل اندیشه‌های شیخ را در هر فصل بیان کند و نیز در هر جا که لازم آید به ارتباط اندیشه‌ها با پیشینیان و به ویژه شیخ اشراق اشاره شود و مقصود از درآمد آن بود که خواننده پیش از شروع در هر فصل بداند که طرح مطلب از چه قرار است و بزنگاه‌های اصلی مورد نظر مصنف کدام است و مقصود از توضیحات تبیین مشکلات و تشریح جمله‌های معقد و چند پهلو و یاری خواننده برای گشودن طلسم بیان رمزآلود مصنف بود که در این باره بیش تر سخن خواهیم گفت.

اما این که کار را در ده فص متوقف و محدود کردیم نمی‌خواهم ضعف و ناتوانی مزاجی و رخوت ذهنی خود را در این تصمیم کم‌رنگ و بی‌اهمیت جلوه دهم چرا که گفته‌اند: